

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

۱۳ اکتوبر، ۲۰۲۴

پوهاند عبدالحی حبیبي

یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان

قسمت ششم و پایان



منسوجات:

باید گفت که دوره سلجوقی ارتقای صنعت بافندگی بوده است که دو عامل مؤثر داشت یکی تعالیمی که بواسطه سلجوقیان از سبکهای چینی فراگرفته اند و بر اثر آن ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و حیوانات در اشکال تزئینی آنها تجلی نمود، دوم اسالیب اسلامی که در بلاد بین النهرین متداول بود، و فروع بوته های نباتی و حواشی را بجای موضوعات تزئینی ساسانی بکار برده اند. (۷۹)

از مراکز نساجی قبل از دوره مغول خصوصاً هرات شهرد داشت، و مغولیان در هرات و نیشاپور به ارباب صنایع ادیت کمتر رسانیدند، در یکی از موزه های شهروین مجموعه یی از منسوجات ابریشمی دروه مغول موجود است که جزو کفن اودلف چهارم دوک اتریش بود، و بران اشکال پرندگان بزرگی است که بر زمیه اطلسی بافته شده و روی یکی از آنها کتابتی باخط

نسخ درشت بنام سلطان ابو سعد (۷۱۷ / ۷۳۶ هـ) موجود است. (۸۰) شهرهای خراسان از قبیل سمرقند و هرات در عصر تیموریان مراکز مهمی بافندگی بود که امراء و شاهان می پوشیدند، و بهترین پرده ها و فرشها و بالش و متکاهاز ازان درست میکردند، و سبک تزئینات دوره تیموری در کثر اشکال نباتات متصل باطلا و نقره و اشکال پرندگان مطابق روش چینی بر پارچه های مخملی بسیار عالی است، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون بین دربارهای تیموریان و شاهان چین روابط سیاسی و اقتصادی بر قرار بود، بنا بران اثر صنایع چینی در هنرهای زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی در (۸۲۳ هـ و ۸۲۶ هـ) چون هیئت اعزامی دربار هرات به چین رفت، غیاث الدین نقاش مشاهدات خود را که متضمن معلومات زیادی درباره ابنیه و البسه چین بود، گزارش داد است. و بنابراین دوره تیموریان در تکمیل موضوعات تزئینی و نقش و طرح پارچه ها، لطافت و زیبایی خاصی یافته و ازان حالت ابتدایی و خشونتتی که در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده میشود رهایی یافته است.

(۸۱)

همانطوریکه هرات پرورشگاه صنایع نفیس در دوره تیموری بود، در عصر صفویان نیز یکی از مراکز مهم بافندگی و نساجی بشمار میرفت، و روش های نقاشی مکتب بهزاد چه در خراسان و چه در پارس در تزئین منسوجات نیز بکار افتاد و بر بسا پارچه های بافته عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی ماند، در نقاشی و تصاویر بافندگی آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و رضا عباسی از بقایای پیروان مکتب بهزاد دیده میشود. (۸۲)

قالین بافی:

قالین بافی از هنرهای قدیم خراسان بود. ا. س. ا. ادوارد در که عمری را در قالین شناسی مشرق زمین بسر بده در فصل خاص قالی کتاب میراث ایران، دلایلی را می آورد که هنر قالی بافی قبل از نفوذ عناصر تورکی و هجوم اقوام مغول در سرتاسر خراسان رواج داشت و اکثر جغرافیا نویسان عرب و عجم از صنعت قالی بافی نمونه های از زمان قدیم و اوایل دوره اسلامی یادی کرده اند. (۸۳) و بقولی گذار نمونه های از قالین عهد ساسانی نیز در دست است. (۸۴)

م. س. دیماندر درباره قالین بافی خراسان معلومات مغتنمی می دهد و گوید:

" مارکوپولو که در حدود (۶۶۹ هـ _ ۱۲۷۰ م) به آسیای صغیر مسافرت کرد میگوید که زیباترین و عالیترین قالیهای دنیا بوسیله هنرمندان یونانی و ارمنی در بلاد ترکمن بافته می شود" (۸۵) و ازین آشکار است که در بلاد شمالی افغانستان و خراسان صنعت قالی بافی در کمال عروج وجود داشت. دیماندر گوید:

"از قالیه‌های مشهور و جالب توجه که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابربسیک چینی دارند این نوع قالی که نمونه‌های زیادی از آن در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی یافته می‌شود، باشتباه باصفهان نسبت داده می‌شوند، در صورتیکه در حقیقت متعلق به هرات و مشرق ایران است، در کارهای نقاشان هلندی و اسپانیایی اواخر قرن (۱۶ و ۱۷) تصویر اینگونه قالیه‌های دیده می‌شود اولریوس که با سفیر دوک هلشتین _ گوتورپ در حوالی سال (۱۶۳۷ م _ ۱۰۴۷ هـ) بایران آمده، مینویسد: که زیباترین قالیه‌های ایران در هرات خراسان بافته می‌شد. شهرت خراسان برای نفیس بودن قالیه‌هایش از طرف دیگران نیز تأیید گردیده و در قرن (۱۶ و ۱۷) هرات مرکز عمده قالی بافی خراسان بود. (۸۶)

در قالیه‌های قرن (۱۷) نوع هرات نقش همان نقش قرن (۱۶) است ولی قدری درشت تر شده و در عصر صفویان هم هرات یکی از مراکز عمده این فن بود و حتی در مینیاتورهای کتب مصور دوره تیموریان اشکال این گونه قالیه‌ها به نظر می‌آید و از خصایص آن برگهای بزرگ دندانه دار است و حتی در هند هم ازین نوع قالی اقتباس کرده بودند. (۸۷)

قدیم ترین نمونه قالی بسیار زیبای خراسان در موزه پولدی پدزولی شهر میلان از قرن دهم هجری (۱۶ م) موجود است که آنرا یکنفر خراسانی ساکن جام ساخته و این بیت بران نوشته است:

شد از سعی غیاث الدین جامی بدین خوبی تمام این کار نامی (۸۸)

در قرنهای (۹ تا ۱۱ هـ) نقاشان به کشیدن تصاویر کتب خطی اکتفاء نکرده و نفوذ خود را در سایر انواع فنون مانند تزئین عمارات و مصنوعات چینی و پارچه‌ها و قالیه‌ها نیز بکار برده اند. مهمترین نقاشانی که در نقشه کشی قالی کار کرده اند: بهزاد و سلطان محمد و سیدعلی اند. (۸۹)

دکتور زکی محمد حسن مصری راجع به قدمت صنعت قالی بافی افغانستان گوید: اگر چه تاریخ قالی‌های معروف راجع به دوره سلجوقی است ولی از مصادر ادبی و تاریخی بر می‌آید که در قرن پنجم هجری (۱۱ م) قالیه‌های نفیسی در دربار سلاطین غزنوی بوده است. (۹۰) و تصاویر فرشهایی که در مشرق ایران خصوصاً آنهای که منسوب به هرات اند در تابلوهای فنی اروپائیان در اواخر قرن دهم هجری (۱۶ م) زیاد کشیده شده است. (۹۱)

در انواع قالی قسم گلدار هراتی در خراسان شهرت داشت که منسوب به قرن (۱۰ و ۱۱ هـ) _ ۱۶ و ۱۷ م) است نقشه این قالیه‌های عبارت از سبز میباشد که در قرن (۱۱ هـ) بادزندهای نخل آن بزرگتر از سابق بوده و در اصل نقشه برگهای بلند و مقوسی هست و ازین پدید می‌آید که خراسان و هرات از زمان غزنویان یکی از مراکز عمده فنی بود. (۹۲)

يك عده سجاده به دوره صفوی نسبت داده میشود نقشه اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی کوفی نوشته شده و نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه به قالی تبریز است ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند و عده بی آنرا بافت هرات میداند. از قالیهای که به هرات نسبت داده شده، عده ایست که نقشه آنها گل و مویچ پیچ میباشد که در اطراف گل عباسی بزرگ کشیده و آن عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه پی مدور یا بیضوی شکل از برگ دارد، در قالی هرات نقش ماهی نیز دیده میشود که به حدود (۹۰۰ هـ) تعلق دارد.

قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته، اولیاریوس المانی که در زمان شاه عباس بایران آمده مینویسد که بهترین قالیها در هرات بافته میشود يك قسم قالیها را در اروپا و امریکا بنام قالی گلدانی میخوانند، زیرا نقشه بعضی از آنها گلدانیست، که از آن شاخ و برگ بیرون می آید. گل‌های عباسی و اشکال گل و برگ که در این قالی دیده میشود شبیه به نقشه قالیهای هرات است. (۹۳)

ابنیه:

امیر تیمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورد و به پایتخت خود سمرقند برد این عده در ساختمان و طرح سبکی ایجاد نمود که باوجود اینکه صنعتگران آن از نواحی مختلف آمده بودند آن سبک کاملاً خراسانی بود. ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزئین و آرایشی عالی بودند.

مسجد گوهر شاد مشهد که ازین ابنیه است به نظر بعضی از باستان شناسان در زمرة دوازده عالیترین بنای تاریخی دنیا بشمار میرود که در حدود (۸۲۱ هـ) بنای آن تمام شد و به دوازده سال در تحت نظر قوام الدین معمار معروف انجام یافت.

سر در این مسجد يك طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است و بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا شده باشند تا سطح زمین امتداد یافته اند. زیبایی کاشی کاری آن حیرت آور است و سردر عظیم را کتیبه مفصلی از کاشی احاطه نموده که دران بایسنقر، محاسن و تقوای مادر خود گوهرشاد را تمجید میکند.

داخل ایوان کاملاً سفید و ساده است و کتیبه هایی زیر گنبد عظیم دارد، این مسجد بسبک چهار ایوانی ساخته شده در کاشی کاری ایوان روبرقوله برنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده و در ایوان های طرفین رنگ فیروزه، آبی و سبز بیشتر دیده میشود، همه دارای موزائیک های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است، گنبد پیازی شکل و رنگ آن سبز تیره است و کتیبه بزرگ سیاه دارد و این مسجد یکی از شاهکار های معماری دنیاست. (۹۴)

در قریه طیبات نزد يك مرزفعلی ایران و افغان ساختمان مزار مولانا شیخ زین الدین است که روی سر در آن چند کتیبه است که دارای خصایص عصر تیموریان بود و در داخل آن کتیبه بزرگی است باکاشی سفید روی زمینه آبی که اسم شاهرخ بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود، در تربت شیخ جام بین مشهد و سرحد افغان بعضی ابنیه مقبره ها متعلق بزمان تیمور است و مقبره گوهرشاد در هرات بنایبست مربع شکل که گنبد آن سه مرتبه دارد.

گنبد اولی برای تزئین زیرگنبد به کار رفته و گنبد وسطی برای نگهداری و گنبد خارجی که به دیده های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است، این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده و هفت مناره بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد. دو تای آن به مصلاي معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته، یکی به بنای که وصل مقبره بوده و چهار مناره بزرگ که باتکه های بزرگ سنگ مرمر و کتیبه ها و کاشی کاریهای دارای طرحهای مکرر زینت یافته و نشان میدهد که معماری و تزئین عصر تیموریان تاچه درجه زیبایی و عظمت داشته است.

در دوره سلجوقی به ساختمان و اجر کاری بیشتر اهمیت داده میشود ولی در عصر مغولی و تیموریان در تزئین بیشتر دقت شده و رنگهای گوناگون در بناهای عظیمی که باکاشی های الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظیر ندارد ظاهر میگردد.

نچاری:

يك قسمت درهای چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م) میشود در مقبره سلطان محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در قلعه آگره میباشد این درها منب کاری است و ازین حیث خیلی شبیه است به آثار چوبی که در ترکستان غربی کشف شده است. (۹۵)

سطح خارجی این درها نیز منبت کاری است و با اشکال ستاره یی چوبی که فوق العاده زیبا و بادقت ساخته شده مزین می باشد. (۹۶) حقیقاً این اشکال و استادی آنها ازین آثار متجلی است و ثابت مینماید که در تنوع اشکال و ظاهر نمودن با برجسته کردن مواد تزئینی تا چه حدی موفقیت داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح رامتعدد جلوه میدهد و چنان نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلال همدیگر نمایانست و یاروی همدیگر متحرك است. و اگر چنین شهکاری را درهای مقبره سلطان محمود داشته باشد جای شگفتی است زیرا غزنه در قرن پنجم هجری یکی از مراکز مهم فرهنگی بوده است و فنون و صنایع دران شهر رونق خوبی داشته، و پیشرفت معمی نموده و طرز فنی خصوصی در آنجا بوجود آمده که از حیث تکامل و موضوع تزئینات خیلی قابل توجه شده است. (۹۷-۹۸)

ماخذ:

۱. صنایع ایران بعد از اسلام از دکتر زکی محمد حسن مصری، ص ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰
۲. تاریخ اللغات السامیه طبع مصر
۳. مجله اپیگر افیا انڈیا اسلامیکا ۱۹۲۶ م
۴. هیندبک آف پشاور موزیم . ص ۹ و ۱۰
۵. تاریخ ایران از براون ج ۱ ص ۶۹۲
۶. کشف الظنون ۴۱۹
۷. رجوع بطبع عکسی احمد آتش از استانبول ۱۹۴۹
۸. تاریخ اللغات السامیه طبع مصر
۹. مهم ترین آثار این ادوار افغانستان در رسم الخط کوفی کتیبه قبر سلطان محمود در غزنه ۴۲۱ هـ و کتیبه بنای مرقد حضرت امام یحیی بن زید مقتول ۱۲۵ هـ در سرپل (جوزجان) است که تاریخ ندارد.
۱۰. دکتر زکی حسن در کتاب تاریخ صنایع، بحواله سروی آف پرشن آرت ۱۷۳۲/۲
۱۱. راهنمای صنایع اسلامی از دیماندا، ترجمه فارسی طبع تهران ۱۳۳۶
۱۲. راهنمای صنایع اسلامی ۵۵
۱۳. راهنمای صنایع اسلامی ۵۷
۱۴. زکی محمد حسن در صنایع ایران، ص ۷۰
۱۵. دیوان سنائی ص ۱۴۱ بحواله مضمون نویسنده این سطور در مجله آریانا حوت ۱۳۴۰
۱۶. دیوان ناصر خسرو، ص ۲۰۰
۱۷. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۸۸
۱۸. تاریخ بیهقی ۱۳۰
۱۹. صنایع ایران ص ۸۸
۲۰. صنایع ایران ص ۹۵
۲۱. همین کتاب ص ۹۶
۲۲. صنایع ایران ص ۹۹
۲۳. راهنمای صنایع اسلامی ۵۴
۲۴. همین کتاب ۵۴

۲۵. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۴
۲۶. صنایع ایران ۱۰۲
۲۷. صنایع ایران ۱۷۰
۲۸. راهنمای صنایع اسلامی ۵۶
۲۹. صنایع ایران ۱۰۵
۳۰. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸
۳۱. نقاشی اسلامی از آه نورلد
۳۲. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۲
۳۳. سروی هنر ایران ج ۵ تابلو ۸۸۵
۳۴. مینیاتور ایران از سارکسیان تابلو ۷۵
۳۵. صنایع ایران ۱۰۸
۳۶. تاریخ صنایع ایران ۱۷۱
۳۷. میراث ایران ۲۴۷
۳۸. صنایع ایران ۱۱۳
۳۹. تاریخ صنایع ایران ۱۹۴
۴۰. راهنمای صنایع اسلامی ۵۶
۴۱. صنایع ایران ۱۱۵
۴۲. التصوير الاسلامی تابلوی ۲۰
۴۳. صنایع ایران ۱۱۶
۴۴. راهنمای صنایع ۵۵
۴۵. رهنمای صنایع ۶۳
۴۶. رهنمای صنایع ۳۶
۴۷. صنایع اسلامی ۱۳۰
۴۸. راهنمای صنایع ص ۸۰ و صنایع ایران ص ۷۷
۴۹. صنایع ایران ص ۷۷
۵۰. تابلوی ۳۶ التصوير فی الاسلام بحواله ص ۱۲۱ صنایع ایران
۵۱. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۰
۵۲. راهنمای صنایع اسلامی ص ۶۹ ببعده، و تاریخ صنایع ایران ص ۱۹۶ و صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۲۹

۵۳. راهنمای صنایع ص ۸۰
۵۴. صنایع ایران ۱۱۸
۵۵. راهنمای صنایع اسلامی ۶۵
۵۶. تاریخ صنایع اسلامی ۱۹۷
۵۷. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸
۵۸. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸
۵۹. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۴
۶۰. صنایع ایران بعد از اسلام ۷۶
۶۱. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶ بحواله مصوری در اسلام تالیف آرنولد ص ۲۳۹
۶۲. راهنمای صنایع اسلامی ، ۸۹
۶۳. صنایع ایران ۱۶۴
۶۴. صنایع ایرن ۱۴۶ ببعد
۶۵. صنایع ایران بعد از اسلام ۲۸
۶۶. راهنمای صنایع اسلامی ۵۵
۶۷. راهنمای صنایع اسلامی ۸۳
۶۸. میراث ایران ص ۲۴۵
۶۹. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶
۷۰. صنایع ایران بحواله سروی آرت ایران ۱۸۵۱/۳
۷۱. رهنمای صنایع ص ۱۴۱
۷۲. میراث ایران ص ۲۲۲
۷۳. میراث ص ۲۲۲
۷۴. رهنمای صنایع ص ۱۴۲
۷۵. رهنمای صنایع ۱۴۲
۷۶. رهنمای صنایع ص ۱۴۲
۷۷. میراث ص ۲۲۳
۷۸. رهنما ص ۱۴۴
۷۹. صنایع ایران ۲۳۱
۸۰. سروی آرت ایران ج ۶ تابلوی ۱۰۰۳
۸۱. صنایع ایران ۲۴۰

۸۲. صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۴۳
۸۳. A.C. Edwards .
۸۴. میراث ایران ص ۳۶۰ به بعد
۸۵. تمدن ایرانی ص ۲۹۱
۸۶. رهنمای صنایع اسلامی ۲۵۸
۸۷. رهنمای صنایع ص ۲۵۷ به بعد
۸۸. سروی آف پرشن آرت ج ۲ ص ۲۴۳۷ و کتاب فرش قدیم ج ۲ تابلوی ۲۲
۸۹. صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۵۷
۹۰. همین کتاب ص ۱۵۹
۹۱. همین کتاب ص ۱۶۳
۹۲. همین کتاب ص ۱۶۹
۹۳. تاریخ صنایع ص ۱۹۲ به بعد
۹۴. تاریخ صنایع ص ۱۸۴
۹۵. سروی آرت ایران ج ۶ ص ۱۴۶۲
۹۶. صنعت اسلامی از جی میگیون ج ۲ ص ۲۹۳ شکل ۱۱۳
۹۷. صنایع ایران ص ۲۷۸
- مجله آریانا، سال ۱۳۴۲ ش، شماره ها ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲.

استقلال - خپلواکی:

سلسله تحقیقات دانشمند و محقق خبره افغان پوهاند عبدالحی حبیب مانند همه آثار آموزنده استاد نامور، نهایت درجه خواندنی و بدون تردید مکتبیت با علمیت برارنده. طوریکه خوانندگان محترم متوجه شده اند همه آثار به شمول این سلسله که تاریخ صنایع افغانستان را با استناد بر منابع گوناگونی که دانشمندی چون پوهاند حبیبی پیشکش می نماید، مراجع و مطالعه منابع مختلفی است که مطالعات و دسترسی وسیع چنان شخصیت بینظیری را معرفی می نماید. در سلسله معلوماتی که در مورد تاریخ صنایع در افغانستان ارائه گردید، استاد تعداد دسترسی به آثار و تحقیقات را در حدود ۹۷ برخ ارائه میدارد. یقین مستحضر هستیم بر احوال نویسندگانی هم که توانایی هیچ تحقیق و مطالعه ایرا نداشته و در لباس مؤرخ و محقق در وبسایت هایی که تکیه بر کمیت میزنند، هر جفگیاتی را به چشم خواننده پیشکش مینمایند. بعضی هم با تقلید از مطبوعات و نشر آثار نویسندگان و مؤرخین، کتاب هایی را سلسله وار نمره گذاری و بنام خویش نشر «!؟» میکنند، بدون اینکه توانایی مأخذی یا ریفرنسی را داشته باشند. پناه بر خدا!!!